

نوشتار حاضر بیش از هفت سال قبل تنظیم شده، اما با توجه به تکرار چرخه تولید نسل کشی فلسطینیان در خانه خود و کشتارهای جنون آمیز مردم منطقه خاورمیانه و سایر کشورها بدست نیروهای امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین الملل، موضوعیت خود را حفظ کرده، مجددا منتشر می شود.

شیری

۰۴/۰۵/۱۳۹۳

از نیل تا فرات، از افسانه تا واقعیت!

<https://eb۱۳۸۴.wordpress.com/۲۰۱۴/۰۷/۲۶/از-نیل-تا-فرات-از-افسانه-تا-واقعیت/>

ا.م. شیری

۱۳۸۶/۳/۲۷

آیا افسانه «سرزمین بزرگ قوم یهود» در اراضی حدفاصل رود نیل تا فرات، در پی اجرای مفاد معاهده بالفور، گام به گام تحقق می یابد؟

معاهده ۱۹۱۷ بالفور، متعاقب جنگ اول جهانی، حاصل ایده خبیثانه سیاستگزاران امپریالیسم انگلیس، یعنی تغییر تاکتیک استعمار انگلیس و حفظ پایگاههای خود در مستعمرات بمنظور مقابله با رشد فزاینده مبارزات ملی در بلند مدت، طرح و اجراء شد. بر اساس این معاهده منفور، یهودیان کشورهای مختلف جهان را به سرزمینهای اعراب فلسطین کوچاندند. تجهیز و تسلیح کردند و بدین سان، دومین فاجعه بزرگ بشری، بعد از اشغال سرزمینهای آمریکای شمالی، قتل عام مردم آن و تشکیل دولت مهاجرین امریکا را مرتکب شدند.

مهاجرین صهیونیست، در سال ۱۹۲۸، در اولین تهاجم مسلحانه خود، ۳۸۵ فلسطینی را به قتل رساندند. در پی تشکیل دولت صهیونیست در سال ۱۹۹۴۸، موج کشتار و بیرون راندن اعراب، به اوج خود رسید. صدها هزار نفر فلسطینی یا کشته شدند و یا از خاک خویش رانده شدند. به اعتراف کمیسون امور پناهندگان سازمان ملل متحد، این بزرگترین فاجعه تاریخ

بشری بود. البته، این ادعای کمیسیون امور پناهندگان سازمان ملل متحد دروغی بیش نیست. زیرا، بزرگترین فاجعه تاریخ بشری تا نسل کشی فلسطینیان بدست صهیونیستها و بعد از آن، تشکیل تجمعگاه جنایتکاران سازمانیافته بین المللی، کشور جعلی آمریکا بود و هست.

در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷، دولت صهیونیستی اسرائیل، با حمایت پدرانیش، با اشغال شبه جزیره سینا، بلندیهای جولان و ساحل غربی رود اردن، وسعت اراضی تحت اشغال خود را تا سه برابر افزایش داد. کشور اسرائیل به عنوان بخش مشترک خاک آمریکا و انگلیس، تا کنون فاقد مرزهای مشخص بین المللی است.

بدنبال تغییر توازن قوای بین المللی به سود ارتجاع و امپریالیسم در آخرین دهه قرن گذشته، تهاجمات برتری طلبانه و جهان گشایانه نئوفاشیسم و نئولیبرالیسم، با شدت به اجرا در آمد. بویژه، طی سالهای اخیر، با مشاهده گرایشات ضد استعماری ترقیخواهانه در آمریکای لاتین، بیداری ملل آفریقا، آسیا و حتی اروپا، این تهاجمات در خاورمیانه، حدت و شدت بی سابقه ای بخود گرفت.

امپریالیسم در ادامه شکست نظامی- سیاسی در افغانستان، عراق و دیگر مناطق جنگی و رسوائی طرح خاور میانه ای خود، به ردیل ترین و منفور ترین شیوه ها و تاکتیکها متوسل شد. تحلیلگران بسیاری، انفجارات انتحاری در مراکز و اماکن تشیع و تسنن را از منفور ترین تاکتیکهای استعمارگران برای ایجاد درگیری های مذهبی بمنظور تقسیم کامل عراق ارزیابی می کنند که بوسیله انتحاریون ارتش مزدور آمریکا به اجرا درمی آید و امروز عملاً، عراق، به سه کشور تقسیم شده است.

ترور رفیق حریری، هیاهوی پیرامون آن و متهم ساختن سوریه در این قتل، استقرار نیروهای حافظ صلح در جنوب لبنان بدنبال شکست تهاجم گسترده اسرائیل (آمریکا و انگلیس) به این کشور، بمبارانهای سنگین اردوگاههای آوارگان فلسطینی بعد از چهل سال بوسیله ارتش لبنان و ارسال کمکهای نظامی سریع آمریکا به این ارتش، ارتشی که، در حملات سال گذشته اسرائیل، حتی یک تیر هوائی شلیک نکرد و در نهایت، روند حوادث امروزی فلسطین، همه و همه نشان از اجرای سیاست «خاورمیانه بزرگ» امپریالیسم دارد.

استعمارگران امپریالیسم، بعد از به قدرت رسیدن جنبش حماس در انتخابات، در حالیکه، با محاصره و قطع کمکها، به مردم فلسطین گرسنگی می دهند، برای تسلیح جنبش فتح، مبالغ

هنگفتی اختصاص دادند. تنها دولت صهیونیست اسرائیل، دشمن دیرین فلسطینیان، یک صد میلیون دلار برای تجهیز و تسلیح نیروهای امنیتی جنبش فتح، در اختیار محمود عباس گذاشت و در سایه همین کمکها، حوادث امروزی فلسطین روی داد، که به جرأت می توان بمتابه مرحله تکاملی در ادامه همان جنایات بیش از ۹۰ ساله برعلیه اعراب این سرزمین ارزیابی کرد. بدین ترتیب، سرزمینهای خود گردان فلسطین نیز، در واقع به دو بخش کاملاً مجزا و متخاصم تحت کنترل فتح و حماس تقسیم شده است. و همه این حوادث، تقسیم و تجزیه عراق، فلسطین، حوادث لبنان، زمینه سازی برای دخالت نظامی در سوریه و ایران، نمی تواند مفهومی جز اجرای سیاست کهنه «تفرقه بیانداز و حکومت کن» امپریالیسم، برای واقعیت بخشیدن به رؤیای صهیونیستی «از نیل تا فرات» باشد.

روند حوادث و رویدادهای امروز منطقه، بویژه در داخل فلسطین، بویژه، مقاومت مردمی در مقابل تجاوزات و جنایات جنون آمیز رژیمهای غربی- صهیونیستی، نشان از آن دارد که افسانه «سرزمین بزرگ قوم یهود»، همچنان افسانه باقی خواهد ماند.